



بیانات رهبری در دیدار شاعران و اساتید زبان فارسی

شعر فارسی تولید سرمایه های معرفتی و معنوی است

«صفحه ۶»

بازدید معاون سیما از پشت صحنه برنامه «سر سفره خدا»

طراحی برنامه کودک براساس سوره نور

بررسی مسأله حجاب در گفت‌وگو با کارشناسان

حجاب با فرهنگ‌سازی کامل می‌شود

گزارش پشت‌صحنه «جام‌جم» از برنامه «محفّل» شبکه ۳

یک دورهمی پرشور قرآنی در قاب تلویزیون

گفت‌وگوی «جام‌جم» با تهیه‌کننده مجموعه طنز «خندبیل» شبکه امید

قاب‌های خندان برای نوجوانان

«جام‌جم» در گفت‌وگو با ماشاءا... شاه‌مرادی‌زاده و درآستانه هفته هنر انقلاب بررسی کرد

منزوی کردن تفکر انقلابی در سینما

حاشیه‌نگاری

نفسیه السادات موسوی | شاعر و فعال فرهنگی

وصل بعد از فراق شیرین است...



هنوز ماه مبارک شروع نشده بود که دوستی تماس گرفت برای شب ولادت امام حسن (ع) دعوت کنه به مراسمی. گفتم نیستم. گفت کجایی؟ گفتم: «راستش نمیدونم. شاید بیت» گفت: «تماس گرفتن دعوت کردن؟» گفتم: «نه! اولی هرسال این شب رو به امید حضور تو اون ضیافت بهشتی خالی نگه می‌دارم. آخرین باری که تو جمع شاعر تو دیدار نیمه ماه رمضان بودم هم سال ۹۶ بوده.» گفت: «امیدواریت رودست دارم!»

راست می‌گفتی. من همیشه آدم امیدواری بودم. مخصوصا وقتی پای رویا و اشتیاق وسط بوده. اصلا برای کسی که از ابتدا شاعر شده که بتونه آقا را از نزدیک ببینه. این امیدواری خیلی هم غریب نیست. تا این‌که به فضل خدا چند روزی مانده به نیمه ماه، به این مهمانی شاعرانه فراخوانده شدم. با تمام قلم و تمام وجود چند روز باقی مانده روان انتظار کشیدم و روز موعود نه پا دو پا که با دو بال نامرئی تا خود مهمانی ماه پرواز کردم. همه چیز همون طور بود که بیشتر دیده و شنیده بودم. سه همون سادگی و همون صمیمیت. زیلوه‌های آبی چشم‌اشنا. صدلی‌هایی که مشخص بود قرار به شکل گدغه دیده بشن که همه حلقه بزینم دور حضرت ماه و سفره‌هایی که با افطاری ساده کف زمین یهین بودند. تعداد بیشتر و حدودا سه برابر خاتم‌ها نسبت به دیدارهای نیمه ماه رمضان کامل محسوس بود و چهره‌های ناآشنا هم. همکلام شدم با بیشترشون. با آشنایان چاق سلامتی و با ناآشناها باز کردن باب‌آشنایی. به‌نظم پرچم شاعری دور از پایتخت بین خاتم‌ها بالاتر بود. دیدار اولی‌ها کاملاً مست نفس کشیدن تو هوای این ضیافت بودن و تک‌تک چهره‌ها مشغوف از اقامه نمازجماعت به امامت رهبر.

برعکس روزهای آخر، قبل دیدار که انگار زمان نمی‌گذشت، اینجا زمان افتاده بود روی دور تند. چشم به هم زدم از گدغه قبل نماز و نمازجماعت و افطار رد شده بودیم و پروانه وار گرد شمع مجلس نشسته بودیم. استاد اسفندقه داشت از شاعر اول دعوت می‌کرد برای شعرخوانی. چیزی که امسال به نظر خوب و مطلوب می‌رسید، بروکندگی قابل توجه و متناسب بین جوان‌ترها و پیشکسوت‌ها در شعرخوانی‌ها بود. از استاد موسوی گمرازدی، میرشکاک، قادر طراوت‌پور و فرید گرفته تا علیرضا نورعلیپور، رباب کلامی، مریم زندی و مهرداد مهرابی. ترکیب و تنوع محتوایی شعرخوانی‌ها هم قابل توجه بود. آیینی‌ها که با پرچمداری امام حسن (ع) و حضرت خدیجه (س) و حضرت زهرا (س) درخشیدند و خانوادگی‌هایی که برای مادر بزرگ و پدر سروده شده بودند. عاشقانه‌ها که همیشه حال خوب جلسه رو دوچندان می‌کن

و طنز که قشنگ مثل دوپینگ انرژی برای حاضران همیشه، اجتماعی و اعتراضی هم مثل همیشه با قدرت حاضر بودن و سرهای به تأییدتکان داده شده بین حاضران و حتی رهبر رو به همراه داشت و زنانه‌های باقوت و باشکوهی که هویت زن ایرانی رو به زیبایی موزون کرده بودند. پرچم اصلی رو اما به نظر من «وطن» بلند کرده بود. درونمایه تمام یابخشی از چندین شعر، عشق و علاقه به ایران بود و هم غرور جمع برانگیخته شد و هم همه حساسی لذت بردند. بین این اشعار و ابیات وطن‌دوستانه بی‌تردید بیت اول غزل لیل‌الحسن نیاگل مجلس بود. ببینی که یقیناً تاملت‌ها از خاطر کسی پاک نمی‌شه: وطن بسوزد و من در خروش و جوش نباشم؟ خدا کند که بمیرم... وطن فروش نباشم!

شاعران فارسی‌زبان غیر ایرانی هم در جمع نماینده داشتن. دکتر شکلاکه از هند بودن و غزلی با مطلع «ایران من، عزیزتر از جان من، سلام» خواندن و آقا در لحظه گفتن علیکم السلام و جناب آقای احمد شهبیار که از پاکستان تو جمع حاضر بودن و آقا با التفات ویژه و دقیق درباره شعرش صحبت کردن. از دوستان لبنانی هم شاعری در جمع بود و شعر عربی خوند که رهبر خطاب به حاضران گفتن شاید به کلیاتی متوجه شده باشید. ولی لازمه در شعرشون بیشتر تامل کنید...

رهبر هم امسال خیلی سرحال و سر ذوق بودن. هم توجه دقیقی به نکات ادبی داشتن، از قالب و وزن گرفته تا جافالفتان و نبفتان و اه‌ای در شعر؛ و هم توجه ظریفی به مضامین ابیات داشتن. تا جایی که مثلاً در تأیید شعرا اعتراضی حسین خرائی گفتن: «مضمون به سخنرانی یک ساعته ما رو تو چند دقیقه گفتی!» با وقتی محمد خادم در شعرش که برای شهدای پیشرفت بود و به شهید فخری‌زاده تقدیم کرده بود به این مصرع رسید که: «تو با خون خودت آن رازها را برملا کردی» گفتن: «البته برملا نشده خیلی هاش...» مهدی جهانداد و فریبا یوسفی، دو شاعری بودند که با اعتراض ظریفی وقت‌شون رو بخشیدند. اولی با اشاره به فرصت شعرخوانی کمتر شاعران‌ها وقتش رو به خاتم‌ها بخشید که به جاشون خاتم خودش که شاعر، شری خوند زنانه و مادرانه و تحسین برانگیز. دومی هم فرصتش رو داده به شاعران خاتم جوان‌تر که بخونن. لیخند رضایت خاتم‌ها نصیب هر دوی این بزرگواران شد. پایان بخش شعرخوانی‌ها بیانات مجمل امام‌دقیق و روشن رهبر بود که بر سرانه بودن شعر تأکید چندباره‌ای کردن و شعر فارسی رو تولیدکننده سرمایه‌های وحدتی و محبتی خواندن. نگاه کینه‌توزانه غرب به زن ایرانی هم از کلیت‌واژه‌های سخنان رهبر بود و تأکید بر این‌که در شعر امروز باید مثل میدان جنگ عمل کرد و اجازه نداد صرفاً احساسات حاکم بشن. باید درست فکر کرد و صحنه رو شناسایی کرد و سرود. حوالی نیمه شب بود که صلوات یابانی روز از حضار گرفتن و هرکسی خاطراتش رو زیر بغلش و با حال خوب ناشی از حضور تو این ضیافت راهی خانه خودش شد.

زاویه دید

خدا حافظی با خالق سریال «قصه‌های مجید»

کیومرث پورا احمد راهی خانه ابدی شد



این سینی را باز کرده و یکی از این حلواها را به من بدهد تا بخورم و باور کنم که کیومرث پورا احمد از پیش ما رفته است. مدتی پیش بود که کیومرث پورا احمد عزیز یک هفته به شهرستان نور (محل فیلمبرداری فیلم تازه عیاری) آمد و ما افتخار میزبانی از او را داشتیم. یک هفته بسیار لذیذبخش که با همراهی این کارگردان ارزنده سینمای ایران برابیم روزهای بسیار خوبی را رقم زد.

فیلمسازی با دغدغه ایرانی

حبیب احمدزاده، نویسنده و از دوستان صمیمی مرحوم کیومرث پورا احمد هم گفت: کیومرث پورا احمد آدم دل بود و آدم دل آدم سیاست نمی‌شد. پس هر کسی که می‌خواهد او را به این سوآن سوبکشاند، بداند که کیومرث پورا احمد نه دل به بلاغت داخلی و نه به خیانت خارجی می‌داد. اتفاقاً دلیل رفاقت من جبهه‌ای را او بر سر ایرانی بودن کیومرث بود. من و او قبل از این‌که ببخواهیم در مورد نظرات و اختلافات مان با هم صحبت کنیم ابتدا خود را یک ایرانی می‌دانستیم. او همواره دغدغه ایرانی بودن داشت.

راوی رنجش‌های بسیار

منوچهر شاهسواری، تهیه‌کننده فیلم شب یلدا نیز در این مراسم گفت: مرگ ناپهنگام کیومرث بر همه ما تسلیت باد. کیومرث روایتگر رنجش‌های بسیار بود. کیومرث کافی بود در هر جای جهان که بود قصه‌های مجید، اتوبوس شب و شب یلدا را می‌ساخت تا به مانند امروز ماندگار شود. کیومرث برای هردری، راه حلی داشت. هیچ دریایی برای او بی‌ساحل نبود. در تمام آثارش، امید بود. کیومرث به همه ما درس طاقت داد.

هنرمندی با قلم جادویی

مهرانه ربی، هسبر کیومرث پورا احمد ضمن قدردانی از همه سینماگران و مردمی که در مراسم خاکسپاری این هنرمند به قطعه هنرمندان بهشت زهرا آمدند، تشکر کرد. مهرداد پورا احمد، برادر کیومرث پورا احمد هم در ادامه این مراسم گفت: کیومرث پورا احمد با قلم جادویی خود برای ما می‌نوشت و خاطره می‌آفرید. او برای ما این شرایط را ایجاد می‌کرد تا به کودکی نیمه‌تمام خود سرک بکشیم. امروز شما با حضور صمیمانه خود یک خاطره ماندگار رقم زدید. ولی از شما خواهش می‌کنم صرف‌نظر از همه شایعات به ما کمک کنید تا پاس این بزم غم خودمان را بپایا کنیم چون کیومرث پورا احمد برای ما پرورنده‌ای همیشه با زاست.



پیکر کیومرث پورا احمد، کارگردان پیشکسوت سینما و تلویزیون و خالق سریال «قصه‌های مجید» با حضور خانواده این مرحوم و جمعی از هنرمندان صبح روز گذشته در بهشت زهرا (س) تشییع و خاکسپاری شد.

مسعود جعفری جوزانی، محمد خراعی، محمدحسین لطیفی، حبیب ایل‌بیگی، جواد طوسی، احمد امینی، امیرآقای، علی‌رویین‌تن، رضا فیاضی، جهانبخش سلطانی، محمدرضا فروتن، علی شادمان، گلاب آدینه، حسن پورشیرازی، شهرام مکرری، جلیل فرجاد، حسام نواب‌سوفی، اصغر همت، آرتنا حاجیان، کتایون ریاحی، هوشنگ گلکسانی، حبیب احمدزاده، رخشان بنی‌اعتماد، بهمن فرمان‌آرا، صابرآبر، داریوش فرهنگ، طناز طباطبایی، کورش سلیمانی، مسعود فروتن، حبیب اسماعیلی، محمد کارت، فردین خلعتبری، سروش صحت، احمد رضا درویش و... از جمله هنرمندان حاضر در این مراسم بودند.

اجرای این مراسم را کورش سلیمانی به‌عهده گرفت که همکاری خوبی با پورا احمد در فیلم اتوبوس شب داشت.

هنرمندی تمام‌عیار

مرضیه برومند، مدیرعامل خانه سینما درباره پورا احمد گفت: او هنرمندی تمام‌عیار بود که صداقت، شجاعت و جسارت کم‌نظیری داشت و گرچه آدم نازک‌دلی بود و گاهی اوقات آسمان خودش همچون ابره‌ای می‌شد اما بلافاصله این آسمان دوباره آفتابی می‌شد. اثر بدیع و بسیار برطرقدار «قصه‌های مجید» کیومرث پورا احمد یک شاهکار تمام‌عیار بود و به‌عنوان یک کارگردان سینما هیچ‌وقت جسارت نداشتم که این قدر واقعی بتوانم وقایع تاریخی و اجتماعی کشورم را در یک اثر درخشانی به نام قصه‌های مجید ثبت کنم.

سازنده یک پروژه تصویری معتبر

جهانبخش سلطانی که بازی او در نقش بازرس امیرحسین او صابرآبرال تلویزیونی «سرنخ» یکی از بهترین همکاری‌هایش با پورا احمد بود و در قصه‌های مجید هم حضور موفقی داشت، در این مراسم گفت: شخصیت مجید در قصه‌های مجید استاد کیومرث پورا احمد شخصیتی اهل قلم، دانش و معرفت بود که دربرگیرنده یک شخصیت فرهنگی بود. «قصه‌های مجید» یکی از معتبرترین پروژه‌های تصویری است که از بسیاری جهات ماندگار شد.

یک ماجرای غیر قابل باور

کیانوش عیاری، کارگردان سینما و تلویزیون هم درباره پورا احمد گفت: چند روز پیش من به کیومرث رنگ زدم و از او خواش کردم تا بنیاید فیلم «کانایه» را ببیند. او هم به من قول داد بعد از مراجعت به تهران دعوت‌م را بپذیرد ولی حالا برای من این دیدار تبدیل به یک شگفتی شد و این پرسش را ایجاد کرد که چرا باید این اتفاق وحشتناک بیفتد. حتی در این چند روزی که در خانه مرحوم پورا احمد حضور پیدا کردم همچنان برابیم ماجرا غیرقابل باور بود تا این‌که روی میز پذیرایی منزل مرحوم پورا احمد، سینی حلواپی را دیدم که روی آن نایلکسی کشیده شده بود و چون همچنان باور نمی‌کردم از حبیب احمدزاده خواستم تا

درنگ

محمد امین اکبری | شاعر و فعال فرهنگی

تسلط و احاطه رهبری نسبت به شعر فارسی



من بارها در این محفل شرکت کرده بودم و این اولین باری بود که شعر خواندم. من یک رباعی عاشقانه و یک غزل عاشورایی در رسای حضرت امام حسین (ع) در محضر رهبر معظم انقلاب خواندم که رباعی این ابیات را «ازان سوی نبود و بود در آینه/هر یک دری گشود در آینه/دلخواه‌ترین رباعی عالم را چشمان تو می‌سرود در آینه» دارد و غزل نیز با مطلع «جز عشق تو به هردو جهان یاوریم نیست/شادم که جز غم تو غم دیگری نیست» آغاز می‌شود. رهبر معظم انقلاب نیز نسبت به این اشعار لطف داشتند و آفرین گفتند. مشخص است که مقام معظم رهبری احاطه بسیار خوبی نسبت به زبان و ادبیات فارسی دارند و شعرشناس و ادیب توانمند هستند، چون این شعرها از صافی‌هایی رد می‌شدند که اشعار مستحکمی باشند و مایه خجالت نباشد اما باز هم مواردی بود از چشم کسانی که شاعر و ادیب بودن، پوشیده شده بود ولی آنجا رهبر معظم انقلاب به این نکات اشاره کردند، یعنی از نظر ساختاری، ادبی و فنی نکاتی را نسبت به اشعار بیان کردند که واقعا درست بود.

البته به گفتن من نیست و ایشان از زمان‌های قدیم با شاعران در محافل ادبی نشست و برخاست داشتند و ما به عینه شاهد این تسلط و احاطه بودیم. مهم‌ترین نکته‌ای که می‌توانیم از این جلسه برداشت کنیم، این است که بالاترین مقام مسئول چه علاقه و حساسیتی نسبت به شعر دارند و ببینیم که آیا در سایر ارگان‌ها این توجه نسبت به شعر و ادبیات وجود دارد یا خیر؟... یا این‌که کنیم از لحاظ فرهنگی آخرین بودجه‌ها را نسبت به ادبیات اختصاص می‌دهیم یا خیر؟... برگزاری این جلسات در نفس خود بسیار خوب است و بالاخره شاعرانی از سراسر ایران جمع می‌شوند و یکدیگر را می‌بینند و بعضی می‌درخشند و تأثیرگذار است اما تأثیر مهم‌تر زمانی است که تمام سازمان‌های فرهنگی توجه‌شان به شعر و ادبیات و به‌خصوص زبان فارسی که می‌تواند کارکردی ژئوپلیتیکی و فرا مرزی داشته و تمدن ساز باشد، بیشتر شود.

بنابراین حضور این شاعران و عزیزان در این محافل با حضور رهبر معظم انقلاب بسیار خوب است اما به‌نظم کافی نیست و زمانی تأثیرگذار است که سازمان‌های مختلف و فرهنگسراها به شعر و ادبیات توجه کرده و بیشتر را برای فعالیت بیشتر کنند. باید از خودمان ببرسیم یا وجود تأکید ایشان بر شعر و ادبیات فارسی، آیا کار عملی خوبی نسبت به این مقوله صورت گرفته است یا خیر؟